

سال دوم

جلسه ۸۳

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۲۲ / ۱ / ۹۱ سه شنبه

بحث سوم:



دو قول اصلی پیرامون هیأت های اخباری

قول اول

همه هیأت های دارای وضع یکسان است

۲. نظریه مرحوم
خویی

۱. نظریه مشهور

قول دوم

همه هیأت های دارای وضع یکسان نیست

قول اول [همانندی تمام هیأت ها] / ۲. بررسی نظریه مرحوم **خویی**

اصل نظریه

جمله خبریه وضع شده برای :

«ابراز قصد حکایت و اخبار از واقع و نفس الامر»

اشکال آیت الله وحید خراسانی

اشکال اول

تفاوت «قصد حکایت» با «حکایت» !

قصد حکایت، تعلق به عالم خارج ندارد و متصف به «صدق و کذب» نمی شود.

حال آنکه : قضایای خبریه قطعاً متصف به صدق و کذب می شوند.

ما می گوئیم

توضیح کلام آیت الله وحید

❖ آنچه در خارج است (محکی)

← متصف به وجود و عدم می شود و نه صدق و کذب

چراکه : یا هست یا نیست

❖ «حکایت از خارج»

← متصف به صدق و کذب می شود

چراکه : از تطابق حاکی و محکی سخن می گوید و موضوع صدق و کذب «تطابق» است

[البته از حیث «ذات» متصف به وجود و عدم هم می شود]

همانندی «انشاء» و «خبر» در کلام مرحوم خوئی

جمله خبریه :

- از حیث «قصد حکایت گری» ← متصف به وجود و عدم است

- از حیث «مقصود» ← امکان اتصاف به صدق و کذب دارد

به عبارت دیگر :

«صدق و کذب» در جملات خبری «وصف به حال متعلق» جمله خبریه است

اشکال دوم

اشکال دوم آیت الله وحید

برای درک موضوع له هر چیزی، باید به تبادر عند العرف، رجوع کرد
تبادر از جملات خبریه = «نسبت» است و نه «قصد حکایت از نسبت»

ما می گوئیم

مرحوم خوئی قصد داشتند به وسیله دو دلیل، «استحاله» قول مشهور را ثابت کنند.
طبیعی است با نپذیرفتن «ادله استحاله» می توانیم این اشکال را تکمیل کرده و بپذیریم.

اشکال سوم آیت الله وحید

اشکال سوم

مقدمه :

اگر مدلول جمله خبریه «قصد حکایت» است ← باید حکایتی باشد تا آن را قصد کنیم.
«حکایت از واقع» وقتی حاصل می شود که «حکایت گری» داشته باشیم.

اصل اشکال :

اگر جمله خبریه، دلالت می کند بر «قصد حکایت»، از «واقع» چه چیزی حکایت می کند؟

ما می گوئیم

تقریری از اشکال سوم آیت الله وحید

اگر لفظ حکایت می کند از «قصد حکایت از نسبت خارجی»:

«حاکی از نسبت خارجی» از دو حال خارج نیست:

(۱) یا **همین لفظ** است:

↳ در این صورت تقدم الشئ علی نفسه لازم می آید؛ چراکه «لفظ حکایت می کند از قصد حکایت» یعنی لفظ باید هم در مرتبه «محکی» باشد (قصد حکایت) و هم در مرتبه «حاکی»؛ در حالیکه مرتبه حاکی «متأخر» است.

(۲) یا حاکی از نسبت خارجی، چیزی **غیر از لفظ** است:

↳ در این صورت می پرسیم آن «حاکی» چیست؟

بیان «خلط» مرحوم خوئی

ما می گوئیم

آنچه فی الواقع اتفاق می افتد چنین است:

لفظ :

- ✓ به «دلالت لفظی وضعی» = از «نسبت خارجی» حکایت می کند
- ✓ به «دلالت عقلی / عقلایی» = از «قصد حکایت متکلم» حکایت می کند

اشکال سوم آیت الله وحید

اشکال چهارم

اشتراک دلیل مرحوم خوئی در «جملات خبریه» و «مفردات»!

اگر استفاد از جمله خبریه آن است که متکلم در مقام «اخبار» است، همین مطلب از «مفردات» هم استفاده می شود.

پس چرا در «مفردات» نمی گویند آنها وضع شده اند برای «قصد تفهیم معنی»

جمع بندی

خلط بین «داعی استعمال» و «موضوع له» در این مبنا!

سامع با شنیدن جمله، دو چیز را می فهمد:

۱/ به سبب دلالت **وضعی** = به «معنای جمله» منتقل می شود

۲/ به سبب دلالت **عقلی** = از «داعی و انگیزه» او مطلع می شود

چراکه : تصور می کند متکلم اراده جدی دارد

دو قول اصلی پیرامون هیأت های اخباری

قول اول

همه هیأت های دارای وضع یکسان است

۳. نظریه محقق
عراقی

۲. نظریه مرحوم
خویی

۱. نظریه مشهور

قول دوم

همه هیأت های دارای وضع یکسان نیست

تفاوت «هیأت» و «حرف»

حروف = برای «وجود رابط» [ربط عرض به موضوع] وضع شده اند
هیأت = برای «اعراض نسبی» وضع شده اند

بیان نظریه

اقسام هیأت

۱. هیأت «**مرکب ناقص**» = صفت و موصوف یا مضاف و مضاف الیه
۲. هیأت «**مرکب تام**» = جملات خبری و انشایی

تفاوت اول هیأت مرکب ناقص و مرکب تام

نکته

مرکب ناقصه : از نسبتی که «ثابت» و «موجود» است، حکایت می کند

مرکب تامه : از «ایقاع نسبت» حکایت می کند و نسبت را بین موضوع و محمول، ایجاد می کند

و لذا گفته شده:

وصف قبل از علم به آن، «خبر» است

و خبر بعد از علم به آن «وصف» است.

تفاوت دوم هیأت مرکب ناقص و مرکب تام

نکته

نسبت های ناقصه :

هیچگونه اقتضای «وجود خارجی» ندارند

بلکه صرفاً حاکی از ماهیات هستند لذا : گاه موجود می شوند و گاه معدوم

مرکب تامه :

اقتضای «وجود خارجی»، موجود است

و لذا یا مطابق با واقع است و یا مطابق با واقع نیست. (و متصف به وجود و عدم نمی شود)

نکته

اقسام جملات نسبت به «انشاء و اخبار»

سه قسم اند :

۱/ برخی جملات مشترک بین «انشاء و اخبار» هستند = مثل «بعثت» و «أنت حرٌّ»

۲/ برخی مختص به «انشاء» هستند = مثل «قُم»

۳/ برخی مختص به «خبر» هستند = مثل «قمت»

نکته

فرق انشاء و اخبار در «صیغ مشترک»

هر جمله دارای دو محکی عنه است :

۱. محکی عنه بالذات :

مفهومی است که نفس متکلم، لحظه ای که می خواهد جمله (حاکی) را بیان کند، آن را تصور می کند

۲. محکی عنه بالعرض :

آن عالم خارجی است که متکلم، مفهوم جمله را در آن فانی می کند (استعمال = إفاء لفظ در معنی)

توجه شود که اگر این محکی عنه بالعرض وجود نداشت، متکلم صرفاً نطق می کرد و قصدی نداشت که چیزی را در عالم خارج کشف کند و طبیعی است که چنین جمله ای نه انشائی است و نه اخباری.

پس کلامی متصف به انشاء و اخبار می شود که متکلم قصد کرده آن را در «محکی عنه بالعرض» فانی کرده باشد. اما :

محکی عنه خبر عبارت است از «وقوع نسبت» و محکی عنه انشاء عبارت است از «ایقاع نسبت». پس جمله خبریه - حاکی - ایجاد می کند نسبت کلامی را در حالیکه این نسبت کلامی حاکمی است از یک نسبت «ثابت و موجود»؛ و جمله انشائیه - حاکمی - ایجاد می کند نسبت کلامی را در حالیکه این نسبت کلامی حکایت می کند از آنکه متکلم نسبتی را در عالم خارج ایجاد کرده